

جایگاه ناجا در آرامش و اقتدار جامعه اسلامی بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

فاطمه عضدی^۱، محمد رضا ایرانژاد^۲، رضا افشار جهانشاهی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳

چکیده

هدف و زمینه: امنیت داخلی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه جامعه است و برای اینکه بتوانیم به توسعه پایدار و پیشرفت‌های روز افزون دست یابیم باید شاخص‌های امنیتی را افزایش دهیم. مسلماً در این راستا جایگاه و نقش نیروی انتظامی در پاسداری از دستاوردهای انقلاب، در کنار دیگر نیروهای مسلح کشور بر کسی پوشیده نیست هدف این مقاله جایگاه ناجا در آرامش و اقتدار جامعه اسلامی بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است.

روش: این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی برپایه مطالعات کتابخانه‌ای است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس رجوع به اسناد، کتب، نشریات و سایت‌های مرتبط با موضوع تحقیق است. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق بر اساس روش تحلیل محتوی صورت پذیرفته است.

نتایج: مقام رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «نیروی انتظامی مظهر حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی است بنابراین باید اقتدار داشته باشد اما این اقتدار به معنای ظلم کردن و حرکت بی‌مهاری نیست، لازمه برقراری امنیت، اقتدار پلیس است اما این اقتدار باید همراه با عدالت و مروت و ترحم باشد». بر همین اساس با نگاهی به عملکرد نیروی انتظامی در چند سال گذشته که از تشکیل آن می‌گذرد، می‌توان به جرات گفت که این نیرو به عنوان بخشی از حاکمیت که مسئول حفظ امنیت، آسایش و آرامش عمومی توانسته است به عنوان یکی از مظاهر برجسته اقتدار ملی و سپر پولادین امنیتی ایران به جامعه معرفی کند و با تکیه بر روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و آمادگی‌های همه‌جانبه سازمانی و عملیاتی، نقشه‌ها و فتنه‌های طراحی شده توسط اتاق‌های فکر دشمن برای برهم زدن امنیت و آرامش کشور را در چهل سالگی انقلاب اسلامی ابر سازد.

کلمات کلیدی: اقتدار، جامعه اسلامی، آرامش، پلیس.

^۱ - کارشناس روانشناسی عمومی، مشاوره و مددکار فرماندهی انتظامی شهرستان سیرجان، (نویسنده مسئول)، ۰۹۱۳۳۷۹۸۹۰۰، ایمیل: alisan.r.t@gmail.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان، ایران، ۰۹۱۳۱۴۵۳۵۸۳

^۳ - کارشناس ارشد روانشناسی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی شهرستان سیرجان، ۰۹۱۳۳۷۹۱۶۱۰

مقدمه

امنیت مسئله‌ای به قدمت تاریخ بشر است که با حیات انسان در ارتباط بوده و هست و نه تنها زندگی انسان توامان با امنیت بوده، بلکه دغدغه اصلی او در طول زندگی، حفظ امنیت و نگهداری آن بوده است. با توجه به موضوع امنیت جامعه اسلامی و نقش پلیس در حفظ آن، اهمیت این مسئله دوچندان شده و از این جهت که موضوع جامعه اسلامی است باید در چنین جامعه‌ای سعی شود معیارها و ملاک‌های اسلامی حفظ شود؛ هر چه از عمر آن می‌گذرد به دستورات و فرامین الهی بیشتر عمل شود، تا شاهد شیرین فرامین الهی به کام مردم آن جامعه ریخته شود. این مهم حاصل نخواهد شد مگر این که حفظ آن برتر و بالاتر باشد. برقراری امنیت مهم است، ولی حفظ و نگهداری آن مهم‌تر می‌باشد؛ زیرا تا زمانی که امنیت بادوام و پایدار وجود نداشته باشد، ضمانتی برای اجرای احکام الهی و استدامت آن وجود ندارد. با توجه به این نکته که پلیس نقش خود را باید درک کند و با مهارت‌های لازم آشنا شده و سیر علمی و عملی خویش را کامل کرده و با تجهیزات و امکانات لازم وارد صحنه شده که بتواند دو امر مهم را به انجام برساند، یکی برقراری امنیت و دیگری حفظ و نگهداری آن و حافظان امنیت با کمک متولیان امر باید برنامه‌ریزی پایدار و دقیق و عالمانه‌ای در جامعه اسلامی ادامه داده و آن را نهادینه کرده تا موفق به اهداف خویش گردند (نادری، ۱۳۹۰: ۸).

به طور کلی، یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها، برقراری نظم و امنیت در جامعه است که در جمهوری اسلامی ایران، این وظیفه بس خطیر بر عهده نیروی انتظامی می‌باشد. اما باید دانست قوانینی که از طرف قوه مقننه به منظور تنظیم روابط اجتماعی مردم و استقرار نظم در هر جامعه‌ای وضع و به مورد اجرا گذاشته می‌شود، از نظر درجه اعتبار و قدرت اجرائی آن‌ها در برابر اراده اشخاص، بر حسب نوع قانون، ممکن است جنبه‌های الزامی و آمرانه

داشته باشد، یعنی هدف اصلی از وضع آن، استقرار عمومی و تأمین منافع و مصالح مردم باشد یعنی هدف اصلی از وضع آن‌ها برای تنظیم روابط خصوصی مردم باشد، لذا اجرای آن‌ها به اختیار اشخاص واگذار می‌شود و رعایت آن‌ها همواره الزامی نیست. پس معیار و ملاک الزامی بودن یا اختیاری بودن قوانین در جامعه، بستگی به هدف قانونگذار دارد. بدین لحاظ، هرگاه هدف مستقیم مقنن از وضع قانون برای حفظ ارزش‌های معتبر اخلاقی، اجتماعی و تأمین منافع و مصالح عمومی مردم باشد، آن قانون در زمره قوانین آمرانه و الزامی است و همگان مکلف به اطاعت و پیروی از آن خواهند بود. قانون تشکیل نیروی انتظامی چون به هدف استقرار نظم، امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی به تصویب قوه مقننه رسیده، از مصادیق بارز قوانین آمرانه است (ولیدی، ۱۳۷۸: ۵۲ - ۵۱). با توجه به این که احساس امنیت اجتماعی در کشورهای در حال توسعه پیش نیاز توسعه است، ضروری می‌رسد که در کشور ما و شهرهای آن به این بحث توجه ویژه‌ای شود (شفیعی زازلی، ۱۳۹۳: ۴). اکنون این سوال مطرح می‌شود که نقش ناجا در حفظ آرامش و اقتدار جامعه اسلامی چیست؟ و پلیس در راستای تحقق هدف خود (حفظ آرامش و اقتدار جامعه اسلامی) تا چه اندازه موفق عمل کرده است. بنابراین در این پژوهش به بررسی التزام نقش پلیس در آرامش و اقتدار جامعه اسلامی پرداخته و سپس نتیجه‌گیری و آنگاه پیشنهادات و منابع ارائه می‌گردد.

پیشینه و مفاهیم نظری

آرامش: آرامش در لغت به معنی حالت نفسانی همراه با آسودگی و ثبات است

(اکبرنژاد، مهدی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

اقتدار: واژه اقتدار از ریشه لاتین و از واژه «اوتوریته» که به سنای روم مربوط می‌شد، گرفته شده است. سنای روم، اعتبار قوانین مصوب مردم را تأیید می‌کرد و رومی‌ها هم اقتدار (اوتوریته) سنا را پذیرفته بودند.

مفهوم اقتدار با مفاهیم قدرت و نفوذ، پیوندی تنگاتنگ دارد. اقتدار، قدرت مشروع، قانونی و مقبولی است که می‌باید در شرایط مقتضی مورد اطاعت و فرمانبرداری قرار گیرد. اقتدار را قدرت مبتنی بر رضایت تلقی کرده‌اند. در اقتدار توجیه و استدلالی نهفته است که آن را از شکل قدرت عریان خارج ساخته و برای موضوع قدرت، پذیرفتنی می‌کند؛ از این رو گفته می‌شود که اقتدار برای پیروان و تبعیت کنندگان خصلت بیرونی ندارد. اقتدار نوع ویژه‌ای از نفوذ است؛ یعنی نفوذ مشروع. در سیستم‌های سیاسی همیشه سعی رهبران بر آن است که نفوذ خود را به صورت اقتدار درآورند؛ بنابراین اقتدار یکی از اشکال بسیار کارآمد نفوذ است و نه تنها مطمئن‌تر و پر دوام‌تر از اجبار می‌باشد، بلکه عاملی است که به رهبر کمک می‌کند تا بتواند با کمترین استفاده از منابع سیاسی به راحتی حکومت کند (عالم، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۰۲).

اقتدار پلیس: اقتدار پلیس عبارت است از سلطه اطلاعاتی و روانی بر مجرمان و محیط‌های جرم‌خیز، به گونه‌ای که مجرمان همیشه حضور پلیس را احساس کنند و چنین احساسی به مانع مهمی در اعمال مجرمانه تبدیل گردد (باصری، حاتمی، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹).

جامعه: مردم یک کشور یا یک شهر یا ده (عمید، ۱۳۵۸: ۴۴۳). وضع و حالت انسان‌ها که تحت یک قانون مشترک زیست می‌کنند. اجتماع انسانی که تحت قوانین معینی زندگی می‌کنند. گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف خاصی تحت قوائد معین گرد هم می‌آیند (نادری، ۱۳۹۰: ۱۱).

جامعه‌ی اسلامی: در مجموع و به تمام معنا، جامعه‌ای است با خصلت‌های اسلامی، با ایمان عمیق به خدا و روز آخرت و مجری آموزه‌های دینی با جدیت و التزام کامل و با کم‌ترین میزان معصیت و نافرمانی در مقایسه با سایر جوامع بشری است. در این جامعه دین همه زندگی افراد را تشکیل می‌دهد و امری حاشیه‌ای نبود که مردم گاه و بی‌گاه بدان روی آورده باشند. در واقع دین، حیات و روح مردم را تشکیل می‌دهد است، نه مجموعه‌ای از اعمال عبادی که مردم نسبت به ادای درست آن‌ها رغبت نشان داده باشند و دین در حقیقت در اخلاق، افکار، اندیشه‌ها، رفتار، ارزش‌ها، روابط خانوادگی، اجتماعی، همسایگی، تعامل، مسافرت، تلاش برای تأمین معاش، رعایت امانت، کفالت ناتوان و بینوایان، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر اعمال حکام و فرمانروایان، نمود و تجلی یافته است (قطب، ۱۳۸۸). در مجموع جامعه اسلامی که تحت حاکمیت حاکم جامع الشرایط اسلامی اداره می‌شود، این است که: جامعه دینی، جامعه‌ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین» است. (میرمدرس، ۱۳۸۷: ۲۰۹-۲۱۰).

پلیس: پلیس^۱ واژه‌ای فرانسوی است که از پولی تی^۲، به معنای «شکلی از حکومت یا یک هیات سیاسی» گرفته شده است. کلمه «پلیس» به لحاظ لغوی از ریشه یونانی «پولی تی»^۳ به معنای «شهر و اداره امور شهر» مشتق شده و در قرن چهاردهم میلادی به «پلیسی» و سپس در قرن پانزدهم به «پلیس» تغییر نام یافت که مفهوم آن «قاعده و قانون اداره شهر و مقررات لازم برای استقرار نظم در شهرها» است برخی نیز معتقدند واژه پلیس که از کلمه پولیس گرفته شده، به زمان اسکندر مقدونی و جانشینان آن بر می‌گردد (احمدی، ۱۳۸۸: ۲). در فرهنگ فارسی، پلیس در معنای «شهربانی، نظمیه، پاسبان بکار رفته است. همچنین گاهی به

^۱ - Police

^۲ - Polity

^۳ - Politia

«اداره شهریان» نیز پلیس اطلاق می‌شود. (حق شناسی، ۱۳۸۵: ۲۶۷). در کنار این معانی گاهی پلیس در معنای «مجموعه قواعدی که دولت بر جامعه به منظور حفظ نظم و آرامش و امنیت کشور تحمیل می‌کند کار گرفته می‌شود. در تعریف دیگری پلیس به معنای «حفظ نظم و آرامش کشور» و «سپاهی که نگهبان شهری است» تعریف شده است. (رجبی، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

- یکی از شاخص‌های آرامش روان احساس رضایت، شادی و شادابی است. فردی که احساس می‌کند نیازهایش بدون برخورد با موانع در حال تأمین است و به زندگی خود امید دارد، به درجه‌ای از رضایت درونی می‌رسد که همواره او را شاد نگه می‌دارد. شادی حاصل احساس سعادت‌مندی است و سعادت‌مندی، حاصل احساس از سیر طبیعی زندگی و رشد است که با تأمین نیازهای مختلف مخصوصاً نیازهای روانی به دست می‌آید. در این حالت فرد به زندگی و دیگران علاقمند می‌شود و به آن عشق می‌ورزد. احساس رضایت و شادی سبب پیدایش حالات روانی مختلفی می‌شود که دوستی، عشق، محبت، امیدواری، خوش بینی، مسرت، همراهی و ... از نمونه‌های آن است (اکبر نژاد، مهدی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

انواع اقتدار

اقتدار نیرو، توانایی است. یا موقت است یا پایدار. نیروی ناپایدار، قدرت و نیروی پایدار، اقتدار است. هر رخداد یا حادثه‌ای در فضا نشانه و عرصه بروز و ظهور نیرو است. جابه جایی، خمش، ایستایی، نفوذ، دفع و تألیف در فضا نشانه و عرصه بروز و ظهور نیرو است. جابه جایی: حرکت؛ ایستایی: مقاومت؛ خمش؛ جذب، نفوذ؛ اشتغال؛ دفع؛ بازدارندگی؛ تألیف: سازندگی، رخدادهای بازنمایی کننده ظهور توانایی هستند و این

رخدادها یا موقات‌اند یا پایدار. رخدادهای پایدار نشانه اقتدار و رخدادهای ناپایدار نشانه قدرت است (قیصری، ۱۳۹۷: ۱۵۳).

- اقتدار (قدرت نرم): سان تزو اصطلاح اقتدار (قدرت نرم) را برای اولین بار در کتابی با عنوان «ملزم به رهبری» که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد، به کار گرفت (ساروی، ۱۳۹۰: ۶۳).

- قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با بکارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). از شاخص‌های سنجش قدرت نرم، میزان برخورداری ساکنین یک سرزمین از اعتماد و سایر مولفه‌های مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی است. هیچ ملتی بدون برخورداری از قدرت نرم و ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی قادر به حرکت در مسیر تعالی و کسب اعتبار معنوی در جامعه جهانی نخواهد بود. این اعتماد در دو سطح مردم-مردم و حاکمیت - مردم قابل تجلی و بازتاب است و معطوف به کشف و استخراج این شاخص‌ها در جوامع می‌باشد (قدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). مطابق نظریه نای، قدرت نرم هر کشور از سه منبع نشأت می‌گیرد: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی زمانی که با افکار عمومی داخل و خارج منطبق باشد، و سیاست خارجی زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شوند (نای، ۲۰۰۵: ۱۲). نیروی انتظامی سازمانی است اجتماعی که واحدها و عناصر آن در جای جای کشور پهناور مستقر می‌باشد و مردم در تمام نقاط پلیس را ناظر بر اعمال خود می‌بینند. لباسی که پلیس به تن دارد نحوه پوشیدن آن و تجهیزاتی که به همراه دارد، حتی نحوه ایستادن، شیوه نگاه کردن و اخم کردن و حتی لبخند زدن و دست دادن و غیره همگی از جمله زبان حرکات بدنی هستند و همگی در انتقال اقتدار پلیس نقش دارد و از این طریق شهروندان قضاوت خودشان را درباره کفایت و حرفه‌ای بودن و شخصیت پلیس منتقل می‌نمایند. روابط

مأمورین نیروی انتظامی با شهروندان جامعه ابتدا از طریق تعاملات میان فردی شروع می‌شود و اگر این ارتباطات مطلوب و موثر باشد می‌تواند نقش حیاتی در بهبود روابط پلیس با جامعه نهایتاً انجام وظایف و مأموریت‌ها و همین‌طور رسیدن به اهداف داشته باشند (شفیعی زازلی، ۱۳۹۳: ۷).

امروزه حکومت نمودن و موفقیت در سازمان‌های بزرگ به صرف اتکا به ترس و وحشت امر غیرممکنی است و حکومت کردن به کمک اقتدار، به مراتب با صرفه‌تر از حکومت کردن بوسیله اجبار است.

قدرت پدر در خانواده از نوع اقتدار است، زیرا به دلایل مختلف قابل توجیه و پذیرفتنی است. در سطح دولت، قدرت به حکم قانونی بودن، مرسوم و سنتی بودن، در آمیخته بودن با مذهب و غیره به اقتدار تبدیل می‌شود؛ از این رو اقتدار محدودتر از قدرت است و نمی‌تواند حدود و شرایط امکان خود یعنی قانون، سنت، مذهب و عرف را نفی کند.

امروزه در حکومت‌های مردم‌سالاری قدرتی که مبتنی بر رضایت و حق حاکمیت مردم تلقی شود (دموکراسی)، اقتدار به شمار می‌رود.

دموکراسی روش و شیوه‌ای برای تبدیل قدرت به اقتدار است. در این دیدگاه سیاست در معنای درست کلمه با اقتدار سر و کار دارد، نه با مفهوم قدرت.

هنر سیاستمداران در تولید اقتدار از قدرت‌های موجود است. سیاستمداران با از دست دادن قدرت خود، لزوماً اقتدار خویش را از دست نمی‌دهند، همچنان که با کسب قدرت نیز لزوماً اقتدار تحصیل نمی‌کنند. اقتدار چنانکه فلاسفه سیاسی کلاسیک غرب مانند هابز، لاک و روسو استدلال می‌کردند، اساس حاکمیت دولت است و به این عنوان تنها بواسطه رضایت و قبول کسانی که موضوع حاکمیت و اقتدارند، پدید می‌آید و تنها در صورتی

تداوم می‌یابد که در قالب وضع قوانین لازم برای حفظ جان و مال و آزادی و صلح و امنیت مردم به کار رود. اقتدار به این معنا دو چهره دارد: یکی آنکه در حوزه حاکم و حاکمیت ظاهر می‌شود و دیگر آنکه در وجه اطاعت و فرمانبرداری اتباع از قوانین تجلی می‌کند. در این دیدگاه، نفس شکل‌گیری دولت به مفهوم با ثبات و نهادمند آن نیازمند قوام یافتن اقتدار است. بدون اقتدار نمی‌توان به احکام و تصمیم‌های الزام آور قانونی رسید. قدرت‌های سیاسی و اجتماعی مختلف در غیاب اقتدار منشأ نزاع و کشمکش و بی‌ثباتی در حیات سیاسی هستند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

الف) منابع اقتدار:

به عقیده ماکس وبر در کتاب اقتصاد و جامعه اقتدار سه منبع دارد:

- ۱- سنتی (سلطه سنتی که بر پایه رسم و عادت است مانند آنچه در نظام‌های سلطنتی موروثی وجود داشته): اقتدار سنتی مبتنی بر اعتقادی استوار بر تقدس سنت‌ها و مشروعیت پایگاه کسانی است که قدرتشان بر پایه آن سنت‌ها نهاده است.
- ۲- قانونی - عقلانی: وقتی حق فرمانروایی از قواعد تأسیسی یا قوانین جامعه برآید، آن اقتدار را قانونی و عقلانی می‌نامند. این گونه اقتدار بر پایه اعتقاد به قانونی و عقلانی بودن الگوهای هنجاری است که منبع قدرت فرمانروایان را تشکیل می‌دهند.
- ۳- فرهی (کاریزماتیک): وقتی حق فرمانروایی از پویایی‌ها و صفات ویژه رهبر سیاسی برآید، آن را اقتدار فرهی (کاریزماتیک) می‌خوانند.

ب) ضمانت اجرای اقتدار:

به طور خلاصه موارد ضمانت اجراهای اقتدار عبارتند از:

- ۱- ضمانت اجتماعی: گاه افراد به دلیل انتظار جامعه از افراد، اقتدار را می‌پذیرند.

۲- امنیت و موقعیت اقتصادی: اگر اقتدار سود مالی در بر داشته باشد یا موقعیت اقتصادی را بهتر کند، مردم آن را می‌پذیرند.

۳- ضمانت ناظر بر هدف: گاه برای کارکرد مؤثر سازمان، کارکنان اقتدار مقامات بالا را می‌پذیرند، به دیگر سخن اقتدار برای دست یافتن به یک هدف پذیرفته می‌شود (صبوری، ۱۳۸۱: ۲۹).

- کریمیایی (۱۳۹۰) در رساله خود با عنوان «نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی، ارائه الگوی مناسب» در دانشگاه عالی دفاع ملی، با تحلیل نظرات مقام معظم رهبری در تأمین امنیت اجتماعی، اخلاقی و احساس امنیت تحت عنوان انتظارات رهبری از نیروی انتظامی، مولفه هلی امنیت اجتماعی را در چهار قالب مولفه‌های عینی، ذهنی، فرهنگی و روانی استخراج کرده است (کریمیایی، ۱۳۹۰).

- بر بستر امنیت و اقتدار، عنوان کتابچه‌ای است که سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (۱۳۸۸) منتشر کرده است. در این کتابچه، امنیت، عدالت، نظم، اقتدار و انضباط از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته است.

- امنیت انتظامی از منظر فرماندهی معظم کل قوا عنوان کتابی است که در سال ۱۳۸۹ توسط معاونت تربیت و اخلاق ناجا تدوین شده است. در این کتاب فرازهایی از تدابیر رهبر معظم انقلاب درباره نقش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تجلی امنیت و اقتدار ملی ذکر شده است.

- طاهری و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی «رابطه میان پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان» را مورد ارزیابی قرار داده اند. روش تحقیق این پژوهش به صورت پیمایشی بوده است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان شهر اصفهان بوده است. کوکران ۳۸۴ نفر و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش طاهری

و دیگران، وجود رابطه مثبت و معنادار بین نقش پلیس و احساس امنیت اجتماعی شهروندان اصفهانی تایید شد. متغیر نقش پلیس در این تحقیق در سه بعد جدیت پلیس، عملکرد پلیس و توانایی پلیس بوده است که بعد جدیت پلیس با بعد فکری احساس امنیت، بعد عملکرد پلیس با بعد امنیت مالی و بعد توانایی پلیس با بعد احساس امنیت جمعی دارای رابطه معناداری بوده است (طاهری، ۱۳۹۱).

- تاجران و کلاکی (۱۳۸۸) به بررسی «تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی» پرداخته اند. روش تحقیق آن‌ها پیمایشی و پرسشنامه ابزار گردآوری اطلاعات آن‌ها بوده است. جامعه آماری شامل تمامی افراد بالای ۱۶ سال شهر تهران و حجم نمونه انتخابی ۹۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی بوده است. یافته‌های آن‌ها بیانگر آن است که عملکرد و توانمندی پلیس (سرعت عمل، امکانات و تجهیزات پیشرفته) با احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری داشته است. همچنین رفتار حرفه‌ای پلیس (تعهد، قانون‌مداری، عدم انجام پارتی بازی یا دریافت رشوه) با احساس امنیت شهروندان دارای رابطه معناداری بوده است (تاجران، ۱۳۸۸).

- هود در تحقیقی تحت عنوان «منزلت اجتماعی پلیس» که در سال ۲۰۰۶ که در اسپانیا انجام یافته نشان داده است که بین اقتدار پلیس و منزلت آن رابطه معناداری وجود دارد. منظور این تحقیق از اقتدار، قدرت و توان پلیس در به سامان رساندن مأموریتها و مداخله موثر و کارآمد در جرائم اجتماعی در جامعه، و میزان شان و منزلت اجتماعی، پلیس همبستگی معکوس معناداری وجود دارد. به زعم او «زمانی که جرایم که جرایم و کجروی‌ها در جامعه رواج می‌یابند، مردم اعتمادشان را به پلیس و نهادهای امنیتی از دست می‌دهند، به همین سبب در چنین شرایطی منزلت اجتماعی پلیس و نهادهای امنیتی به شدت تقلیل می‌یابد» (شفیعی زازلی، ۱۳۹۳: ۸).

-تحقیقی دیگر توسط شرمین در نیویورک و در سال ۱۹۹۲ انجام گرفته است، او تأثیر افزایش گشت زنی را در ۱۱۰ نقطه جرم خیز را بررسی کرد. افزایش ۲۵ درصدی گشت زنی‌های «هدفمند» تنها اثر ناچیز بر کاهش گزارش‌های دزدی داشت و درباره جنایات سنگین تأثیری ملاحظه نشد. با این حال با افزایش گزارش‌ها در خصوص جرایم «سبک» کاهش ۱۳ درصدی در کل تماس‌ها مشاهده گردید. افزایش حضور آشکار پلیس تأثیر چندانی بر تقلیل میزان جرایم نداشت اما بی‌نظمی‌ها را به میزان محسوسی کاهش داد. همچنین، بنت دریافت اجرای طرحی در بریتانیا که طی آن پلیس می‌کوشید ارتباط مستقیم تری با مردم برقرار نماید تأثیر اندکی بر میزان جرایم و گزارش‌ها داشته، اما میزان رضایت مردم از پلیس را به میزان چشمگیری بالا برده است (بنت، ۱۹۹۱).

- براساس تحقیق باکس و همکاران (۲۰۰۶)، افرادی که اعتقاد داشتند پلیس در دستگیری مجرمان و جدیت در انجام وظایف خود کوتاهی نکرده است، نسبت به وقوع جرایم در محدوده زندگی خود از احساس امنیت بالاتری برخوردار بوده‌اند (شفیعی زازلی، ۱۳۹۳: ص ۸).

روش تحقیق

مقاله پیش رو بر آن است تا نقش ناجا در حفظ آرامش و اقتدار جامعه اسلامی را بررسی و بر اساس بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به پاسخ‌گویی به سوالاتی در خصوص موضوع مطرح شده که پلیس چگونه در تأمین امنیت و آرامش جامعه نقش دارد؟ اقتدار چیست و چگونه پلیس به تحقق این هدف کمک می‌کند؟ پرداخته. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، نقش ناجا در آرامش و اقتدار جامعه اسلامی را بررسی

می‌کند. روش گردآوری اطلاعات در این نگارش، کتابخانه‌ای و اسنادی است و کتاب‌ها و مقاله‌های چاپ شده با روش توصیفی - تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخشی از حاکمیت، مسئول حفظ امنیت، آسایش و آرامش عمومی مردم جامعه است. این نهاد به عنوان مجری قواعد و برقرار کننده ی نظم و امنیت اجتماعی بوده و پیوسته در ارتباط و تعامل با مردم است. تعامل بین نیروهای پلیس و افراد جامعه نیاز به اعتماد متقابل را دو چندان می‌سازد. گستردگی دامنه مسوولیت‌ها و چالش‌های فراوان پیش روی پلیس از یک طرف و وظیفه سنگین برقراری امنیت اجتماعی از طرف دیگر، ضرورت پلیس مقتدر و در عین حال مردمی را بیش از پیش نمایان می‌کند. اما باید توجه داشت هنگامی که صحبت از سرمایه اجتماعی و اقتدار پلیس می‌شود، باید هم به روابط اجتماعی افراد جامعه، هم به ویژگی‌های فردی و هم به ویژگی‌ها و خصوصیات سازمانی پلیس توجه شود. از سوی دیگر با توجه به گستردگی مسئولیت‌های پلیس و تخصصی شدن امور و تغییر و تحول و رشد جمعیت شهری و مهاجرت‌ها و... مقولاتی مانند تعارض فرهنگ‌ها، رشد فناوری، افزایش جرائم و... محیط را با پیچیدگی روبه رو کرده است؛ لذا پلیس باید از هر حیث، چه فردی و چه سازمانی، دارای اقتدار باشد تا بتواند با روحیه و قدرت هرچه بیشتر در انجام امور محوله، ماموریت‌های خود را دنبال کند. آنچه می‌تواند پلیس را در انجام وظایف گسترده‌اش در جامعه یاری برساند، مقبولیت و پذیرش مردمی است که این نهاد را به یک نهاد جامعه محور تبدیل خواهد کرد. حضرت امام (ره) همواره بر این تأکید داشتند که مردم، عامل پیروزی نهضت بودند؛ و عنصر مهم بقای نهضت نیز مردم هستند؛ ایشان در این باره

می‌فرمایند: «ملت بود که این نهضت را به پیش برد و ملت است که باید از این به بعد نیز به پیش ببرد». یکی از روش‌های اثربخش در مدیریت امام خمینی (ره)، تسخیر قلوب مردم بود. مدیریت امام، بر مبنای دو شاخص اساسی، یعنی خدامحوری و داشتن انگیزه الهی و مردم‌گرایی استوار بود. تلازم این دو عنصر، شیوه نوینی را در مدیریت ارائه داده است که اثربخشی آن در روش حکومت بر قلوب تأثیر بسزایی دارد».

- تردیدی نیست که راه اصلی تحقق امنیت اجتماعی مطلوب، بدون داشتن پلیس مقتدر، هوشمند، توانا و با کفایت، که دغدغه اصلی او پاسداری از جان، مال، ناموس و آبروی انسان‌هاست و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد، محقق نخواهد شد. از پلیس موفق انتظار می‌رود نسبت به مؤلفه‌های مورد نیاز کارآمدی خود برای تأمین امنیت اجتماعی به خوبی آگاه باشد و علاوه بر پشتیبانی از آن‌ها، عوامل تهدید کننده امنیت - اعم از آسیب‌ها و جرایم و نیز عوامل تضعیف ارزش‌ها و هنجارها - را بشناسد و برای مقابله با آن‌ها، ساز و کار مناسب، را پیش‌بینی کند. سازمان پلیسی موفق، در برقراری امنیت، دست یاری به سوی جامعه دراز می‌کند و از همه افراد جامعه برای حفظ و امنیت استمداد می‌طلبد و با توزیع وظایف بین آحاد جامعه، سازمان‌ها، تشکل‌ها و ... خود، مدیریت امنیت جامعه را عهده‌دار می‌شود. امنیت مشارکتی و سهیم کردن شهروندان در حفظ امنیت، انگیزه‌های رفتار قانونمند و منطبق بر هنجارها و ارزش‌ها را در افراد تقویت کرده، امنیت پایدار را به عنوان بزرگ‌ترین موهبت الهی به جامعه ارزانی می‌دارد. سازمان پلیسی‌ای که آرمانش عشق به مردم و تلاش برای تأمین امنیت همه جانبه آنان است، یقیناً در قلب مردم جای خواهد داشت و این خود مهم‌ترین اسباب تحقق اقتدار برای پلیس خدمتگزار است (بندریان، ۱۳۸۶: ۱۱۳). بر اساس تعالیم اسلامی امنیت، گواراترین و لذت‌بخش‌ترین نعمت‌ها، معرفی شده و در این راستا حکومت‌ها موظف به گستراندن چتر

امنیتی قابل قبول بر سر همه کسانی هستند که زندگی مسالمت‌آمیزی تحت سایه آن حکومت‌ها دارند و در این راه بین مسلمان و غیر مسلمان تفاوتی وجود ندارد (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۰: ۴۳۵).

- امروز یکی از شعارها و برنامه‌های اصلی ناجا، پیاده سازی و دنبال کردن موضوع پلیس هوشمند و مقتدر و امین مردم در کشور است. بسیاری از کارشناسان معتقدند باید پلیسی مردمی و جامعه محور به وجود آید تا با ایجاد انگیزه و دخالت مردم در امنیت کشور زمینه و بستر را همراهی افکار عمومی با انجام وظایف پلیس و تعامل میان پلیس و مردم در جهت ارتقاء امنیت عمومی فراهم سازد. همچنین مشارکت عمومی مردم و تشکیل پلیس جامعه محور، موجب افزایش نظم و انسجام اجتماعی و افزایش امنیت و مقبولیت اجتماعی پلیس و نیز برقراری روابط عاطفی میان پلیس و مردم خواهد شد. با توجه به نیاز حیاتی و اساسی جامعه به حفظ نظم و کنترل اجتماعی، اعتماد عموم مردم به پلیس یک مقوله بسیار مهم و تعیین کننده است زیرا پلیس دارای اختیار اعمال قدرت است و می‌تواند در مواجهه با شهروندان از اجبار استفاده کند و لازم است برای بهره‌گیری کارآمد از این ابزار قانونی اعتماد عمومی را به خود جلب کند؛ لذا نیروی انتظامی برای انجام وظایف خود به صورت موثر و کارآمد نیاز دارد که رابطه تعاملی سازنده‌ای با شهروندان برقرار نماید. زیرا در رویکرد جامعه محور امنیت تنها وابسته به ساز و کارهای سخت افزاری نیست و رضایتمندی از اقدامات پلیس، جلب اعتماد و حمایت عمومی و تبدیل قوانین و مقررات به باور و هنجارهای مورد پذیرش مردم، رمز اصلی موفقیت و اثر بخشی اقدامات قانونی است.

مؤلفه‌های اقتدار نیروی انتظامی

۱. دین‌مداری؛ شاخصه اصلی اقتدار نیروی انتظامی است.
۲. امنیت‌آفرینی؛ مهم‌ترین مؤلفه اقتدار نیروی انتظامی
۳. جرم‌زدایی؛ به مثابه سلب موقعیت مجرمانه از بزهکاران
۴. اخلاق‌گرایی و تامین امنیت اجتماعی؛ رویکرد اقتدارآفرین نیروی انتظامی
۵. اقتدار پلیس؛ مرهون اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر
۶. پیشرفت و اقتدار نیروی انتظامی نیازمند همکاری دستگاه‌های گوناگون جامعه اسلامی است.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از جمله نهادهای موفق انقلابی است که مدیریت مطلوب توأم با اقتدار در انجام رسالت‌ها و وظایف خود، فعالیت‌های ناجا در انجام رسالت‌های ذاتی خود به ویژه در مقابله با توطئه‌های قدرت‌های استکباری، از دیگر نهادها متمایز کرده است. این مهم در حالی است که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با نیروهای پلیس دیگر نقاط دنیا تفاوت دارد و با توجه به دشمنی‌های بسیار علیه ایران اسلامی وظیفه آن نهاد انقلابی در ابعاد گوناگون بسیار سنگین است، لیکن با همه این اوصاف اقتدار روز افزون نیروی انتظامی غیر قابل انکار است (بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی؛ درس خارج فقه؛ مسجد اعظم قم؛ ۱۶/۱۰/۱۳۹۶).

دین‌مداری؛ شاخصه اصلی اقتدار نیروی انتظامی

جمهوری اسلامی برکات بسیاری داشته است که بسیاری از آن غافلند، یکی از این برکات ورود حقیقی دین به زندگی آحاد مردم به ویژه نیروی انتظامی است. حال آنکه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این گونه نبود که در نیروهای انتظامی دین‌مداری با محوریت قرآن

ظهور و بروز داشته باشد؛ اما امروز در نیروی انتظامی که ماهیت آن برقراری نظم و امنیت است، می‌بینیم حافظان قرآنی حضور دارند و این بسیار ارزنده و قابل تقدیر است. البته باید سعی کرد به موازات حفظ و تلاوت قرآن، به محتوای آن عمل شود و مطمئن بود برای آن نهاد انقلابی اسباب خیر و برکت خواهد بود.

بنده در ملاقات خود با نیروهای انتظامی و نظامی بارها عنوان کرده‌ام که باید بهترین سلاح را برای دفاع از خود فراهم کنیم اما باید بدانیم که برترین سلاح ما سلاح ایمان و توکل به خداوند است (بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار فرمانده انتظامی استان قم و کارکنان حافظ قرآن ناجای قم: ۱۳۹۳/۳/۲۵).

امنیت آفرینی؛ مهم‌ترین مولفه اقتدار نیروی انتظامی

بی شک اولین و مهم‌ترین شرط برای زندگی صحیح امنیت است؛ لذا وجود افراد نیرومندی که در برابر دشمنان خارجی و زیاده‌خواهان داخلی سدّی ایجاد کنند بسیار ضروری است (پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۲؛ ۴۳۶).

واقعیت آن است که نقش و رسالت مهم نیروی انتظامی در تأمین امنیت ستودنی است و باید از تلاش‌ها و خدمات آنان در این راستا قدردانی کرد؛ این دستاورد مهم در حالی است که عوامل نا امنی در عصر ما نسبت به گذشته بیشتر شده و سیاست‌های مخرب روی عوامل ناامنی تأثیر گذاشته است و اگر دشمنان و معاندان بتوانند در جامعه ایجاد نا امنی کنند خواهند توانست اهداف خود را عملیاتی نمایند (بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار فرمانده انتظامی استان قم: ۱۳۹۱/۵/۷).

لذا می‌بینیم هنگامی که نیروی انتظامی برای برقراری امنیت در سطح شهرها و کشور، با اراذل و اوباش برخورد می‌کند، تا خانواده و ناموس‌های مردم احساس امنیت کنند، صدای

رسانه‌های خارجی بلند شده، و متأسفانه بعضی از هم‌فکرانشان در داخل کشور نیز با آن‌ها هم صدا می‌شوند. اما آیا آن‌ها دوست دارند امنیت خانواده‌های مردم در خطر باشد، اما اراذل و اوباش احساس خطر نکنند؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

افراد بی‌ایمان مردمی خودخواه و خودکامه و خطرناکند و هیچ‌گونه مسئولیتی برای خود قائل نیستند، ظلم و ستم و تجاوز به حق دیگران برای آن‌ها ساده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲). به ناچار برای پیشگیری از گناه باید به عامل بیرونی روی آورد که همان مأمورین انتظامی و امثال آن هستند که جلوی جرم و گناه را می‌گیرند (بیانات حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی؛ درس خارج فقه؛ مسجد اعظم قم؛ ۱۳۹۳/۶/۲۶).

اخلاق‌گرایی و تأمین امنیت اجتماعی؛ رویکرد اقتدارآفرین نیروی انتظامی

مسائل اخلاقی در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است و متأسفانه در این ایام مورد تهاجم شدیدی واقع شده است؛ علت آن هم این است که مسائل اخلاقی متولی خاصی ندارد. دادگاه قضایی می‌گوید اگر جرمی انجام شود پیگیری می‌کنیم. نیروی انتظامی هم تا حدی فقط دخالت دارد. وزارت ارشاد هم بیشتر به کارهای فرهنگی، نمایشگاه کتاب و فیلم و سینما و امثال آن است. سازمان تبلیغات اسلامی هم نه بودجه‌ای دارد و نه قدرتی که بتواند جلوی این کار را بگیرد نه‌ایم؛ اینک مبلغی به اطراف بفرستد (بیانات حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی؛ درس خارج فقه؛ مسجد اعظم قم؛ ۱۳۸۹/۲/۱۵).

اهمیت این مسأله در حالی است که مسائل اخلاقی امروز به تبدیل به مسائل سیاسی شده است و ما باید به آن‌ها اهمیتی ویژه بدهیم (بیانات حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار فرمانده نیروی انتظامی کشور و مدیران ستادی نیروی انتظامی سراسر کشور؛ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶). اخیراً در نیروی انتظامی حرکتی مبارک شروع شده تا محکم در مقابل

ناهنجاری‌های بایستند. مشروط بر این که این گونه اقدامات با کارهای دیگر خنثی نشود و با دستور برخی اثر آن از بین نرود. این راهبرد مهم از سوی ناجا در حالی است که دشمنان ما می‌گویند اگر ارزش‌های اخلاقی و مسأله حجاب را کم رنگ و بی حجابی و بد حجابی را شایع کنیم اساس سیاست اسلام هم متزلزل می‌شود؛ لذا تصمیمی که از سوی نیروی انتظامی گرفته شده برای تقویت مبانی نظام و ارزش‌های اسلامی امری لازم است (بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار رییس مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۹۱/۳/۲۵).

اقتدار پلیس؛ مرهون اجرای فریضة امر به معروف و نهی از منکر

بهترین نوع حکومت، حکومتی است که همه مردم در آن سهیم و شریک باشند، و به تعبیر دیگر پایه‌های آن بر دوش عموم مردم باشد؛ امر به معروف و نهی از منکر در واقع تعمیم مسأله حکومت، و تثبیت مشارکت عموم، در آن است؛ زیرا از این طریق جلو بسیاری از تخلفات گرفته می‌شود و مردم به انجام وظایف فردی و اجتماعی آشنا می‌گردند، در این بین نقش پلیس و نیروی انتظامی در اجرای فریضة امر به معروف و نهی از منکر غیر قابل انکار است، اهمیت این وظیفه اسلامی وقتی روشن تر می‌گردد؛ که بدانیم از این طریق می‌توان تا حدود زیادی به وضع جامعه سرو سامان داد؛ و تا حد وسیع، جلو تخلفات را گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۰: ۲۲۹). زیرا بخش مهمی از امر به معروف و نهی از منکر، احقاق حقوق و اجرای حدود و بسط و گسترش عدل و داد است که نیاز به قدرت و نیرو دارد، که تحقق این امر از طریق نیروی انتظامی امکان پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۴۵۳).

پیشرفت و اقتدار نیروی انتظامی نیازمند همکاری دستگاه‌های گوناگون جامعه اسلامی در خاتمه باید تأکید کرد پیشرفت و اقتدار نیروی انتظامی نیازمند همکاری دستگاه‌های گوناگون جامعه اسلامی است (بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار فرمانده نیروی انتظامی؛ ۱۳۹۴/۷/۱۴)؛ لذا اگر سایر نهادها و مردم با نیروی انتظامی همکاری نکنند امنیت برقرار نخواهد شد، نیروی انتظامی یک وظیفه به عهده دارد و به دنبال آن دستگاه قضایی نیز وظایفی دارد و اگر دستگاه قضایی فعال نباشد، زحمات نیروی انتظامی هم بر باد خواهد رفت. زیرا اگر نیروی انتظامی فعال باشد، به موقع در صحنه حوادث حضور یافته و مجرمان را دستگیر کند؛ اما بین دستگیری و صدور حکم فاصله بیافتد، مجازات اثر بازدارنده نخواهد داشت لذا دستگاه قضایی باید به مسائلی که مربوط به امنیت جامعه است سرعت ببخشند. مردم هم در این مسائل باید بیشتر همکاری کنند، هم خودشان به قانون عمل کنند و هم متخلفان را به موقع معرفی کنند، البته مردم به وظیفه خود عمل می‌کنند و بسیاری از کشفیات در مواد مخدر و سایر تخلفات را مردم گزارش می‌دهند (بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی استان قم؛ ۱۳۹۰/۷/۱۹).

اقتدار در اجرای مأموریت

- نیروی انتظامی مظهر حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی است بنابراین باید اقتدار داشته باشد اما این اقتدار به معنای ظلم کردن و حرکت بی مهار نیست. (شرفیابی فرماندهان و کارکنان ناجا، ۶ اردیبهشت ۹۴).
- لازمه برقراری امنیت، اقتدار پلیس است اما این اقتدار باید همراه با عدالت و مروت و ترحم باشد. (شرفیابی فرماندهان و کارکنان ناجا، ۶ اردیبهشت ۹۴).

- اقتدار مطلوب نظام اسلامی قاطعیت در کنار عدالت، مروت و ترحم است. همان گونه که ذات مقدس پروردگار در عین حال که رحمان و رحیم است صاحب عذاب الیم نیز هست. (شرفیابی فرماندهان و کارکنان ناجا، ۶ اردیبهشت ۹۴).

- دنبال اقتدار پلیس هالیوودی و جوامع غربی و آمریکایی نیستیم چنین اقتداری نه تنها امنیت ایجاد نخواهد کرد بلکه موجب نا امنی خواهد شد. در آمریکا که هم اکنون رییس جمهور آن سیاه پوست است سیاهان به وسیله پلیس مورد ظلم و بی‌اعتنایی و تحقیر قرار می‌گیرند که چنین رفتاری موجب بروز نا آرامی‌ها شده است. (شرفیابی فرماندهان و کارکنان ناجا، ۶ اردیبهشت ۹۴).

- اقتدار و قاطعیت بدون بی‌رحمی، سلامت درونی، حضور به هنگام و سریع، عظوفت و کمک به مردم و قانون‌گرایی عواملی هستند که موجب ارائه تصویری مثبت از نیروی انتظامی خواهند شد. (شرفیابی فرماندهان و کارکنان ناجا، ۱۹ اردیبهشت ۹۴).

- باید تصویر یک یار مهربان و مقتدر از نیروی انتظامی در ذهن مردم ایجاد و ترسیم شود. (شرفیابی فرماندهان و کارکنان ناجا، ۱۹ اردیبهشت ۹۴).

- توانایی شما، آبروی نظام جمهوری اسلامی است. قدرت شما، رشادت شما، اقدام شما، حرکت به جا و به موقع شما مایه و سربلندی نظام جمهوری اسلامی است. (مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین، ۲۶ شهریور ۹۶).

- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا، شکل‌گیری یک تصویر کاملاً مطلوب از نیروی انتظامی را در ذهن مردم ضروری می‌دانند و معتقدند: «باید تصویر یک «یار مهربان و مقتدر» از نیروی انتظامی، در ذهن مردم ترسیم شود. «اقتدار و قاطعیت بدون بی‌رحمی»، «سلامت درونی»، «حضور به‌هنگام و سریع»، «عظوفت و کمک

بهمردم»، و «قانون گرایی» عواملی هستند که موجب ارائه تصویری مثبت از نیروی انتظامی از دیدگاه مقام معظم رهبری خواهد شد» (خامنه ای، ۱۳۹۵/۰۲/۱۹)

- رهبر معظم انقلاب به عنوان دیده‌ای تیزبین و مشرف بر همه ابعاد جامعه، توقعات مردم از نیروی انتظامی را در چند ویژگی خلاصه می‌کنند و می‌فرمایند: «مردم می‌خواهند نیروی انتظامی، قوی و مقتدر باشد، هوشمند و پیچیده باشد، سالم و امین باشد، سریع و بهنگام باشد، مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد. این انتظارات مردم از نیروی انتظامی ماست» (خامنه ای، ۱۳۹۵/۰۲/۱۹).

پلیس هوشمند و مقتدر و امین در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

- از نگاه مقام معظم رهبری، پلیس باید پناهگاه مردم باشد. معظم^{له} فلسفه وجودی پلیس را آسایش مردم، آرامش محیط زندگی آن‌ها و برقراری نظم می‌دانند تا مردم دچار ناراحتی نشوند. ایشان برای پلیس چهره‌ای دو وجهی قائل‌اند که هم می‌تواند مظهر عظوفت و محبت نظام و هم مظهر تدبیر، مدیریت و کاردانی آن باشد. از دیدگاه رهبری یکایک افراد نیروی انتظامی باید مجاهدت کنند تا این نیرو را به سطح پلیس اسلامی کامل که مأمین و امین مردم است، برسانند. مقبولیت مردمی از جمله عوامل اعتماد ساز برای پلیس است.

- مقام معظم رهبری ایمان، صداقت، شجاعت، خوشفکری، بی‌غرضی، بی‌طمعی، پاکدستی و پاکدامنی را از جمله عوامل حفظ صندوقچه یا گنجینه پر ارزش اعتماد مردم نسبت به پلیس بر می‌شمارند. به همین دلیل ایشان احترام به حساسیت‌های مردم نسبت به شعائر اسلامی توسط پلیس را به جراحی چشم تشبیه می‌کنند که بسیار ظریف است و یک اشتباه، فاجعه به بار می‌آورد؛ خصوصاً آنکه مأموران ناجا در همه جا با مردم سروکار دارند.

- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا، شکل‌گیری یک تصویر کاملاً مطلوب از نیروی انتظامی را در ذهن مردم ضروری می‌دانند و معتقدند: «باید تصویر یک «یار مهربان و مقتدر» از نیروی انتظامی، در ذهن مردم ترسیم شود. «اقتدار و قاطعیت بدون بی‌رحمی»، «سلامت درونی»، «حضور بهنگام و سریع»، «عظوفت و کمک به مردم»، و «قانون‌گرایی» عواملی هستند که موجب ارائه تصویری مثبت از نیروی انتظامی از دیدگاه مقام معظم رهبری خواهد شد». (خامنه‌ای، ۱۹/۰۲/۱۳۹۵)

- رهبر معظم انقلاب به عنوان دیده‌ای تیزبین و مشرف بر همه ابعاد جامعه، توقعات مردم از نیروی انتظامی را در چند ویژگی خلاصه می‌کنند و می‌فرمایند: «مردم می‌خواهند نیروی انتظامی، قوی و مقتدر باشد، هوشمند و پیچیده باشد، سالم و امین باشد، سریع و بهنگام باشد، مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد. این انتظارات مردم از نیروی انتظامی ماست». (خامنه‌ای، ۱۹/۰۲/۱۳۹۵)

نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو که تلاش برای نشان دادن نقش ناجا در آرامش و امنیت جامعه اسلامی است نویسنده کوشیده است با مطالعه مقالات متعدد و آیات قرآن این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور بیانات مقام معظم رهبری در زمینه امنیت و اقتدار جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد که مبنای توجه به امنیت در جامعه اسلامی قرار گرفته است و پلیس کشور اسلامی از آن جایی که با پشتوانه تاریخی، روایی، اعتقادی و اخلاقی عظیمی در جهت نیل به امنیت برخوردار است، قطعاً با اندکی بازنگری و بازبینی گذشته خود می‌تواند به اهداف خود نیز در نیل به جامعه آرمانی دست یابد.

اگرچه ابتدا به ذهن می‌آید که برخورد پلیس نوعاً با مجرمین و متخلفین در جامعه می‌باشد و بیشترین تلاش آنان برای مقابله با ناهنجاری‌های موجود در جامعه که از افراد نامتعادل سر می‌زند، می‌باشد، اما این بدان معنا نیست که صرفاً وظیفه پلیس مقابله با ناهنجاری هاست. در اعتقاد و آموزه‌های دینی ما پیشگیری از ناهنجاری‌ها مهم‌تر از مقابله با آن‌ها می‌باشد، زیرا برخوردهای سالم بسترساز گرایش افراد جامعه به خوبی‌ها و هنجارها می‌باشد و ابزار مقابله با افراد مختلف و مجرم نیز ظوابط و قوانین خاص خود را داراست و اول باید به صورت عموم برخورد شود و سپس با مجرمین و متخلفین به صورت قانونی کامل مقابله گردد، لذا یکی از شاخص‌هایی که پلیس اسلامی می‌تواند جامعه اسلامی را حفظ و در آن موثر واقع شود، برخوردار بودن از رفق و مدارا است. مدارا و رفق ورزی و آسان‌گیری و بردباری برخاسته از رحمت و بصیرت نورانی است و انسان از سر حقیقت این گونه نمی‌شود، مگر آن که با انوار توحید و معارف الهی تایید شده باشد.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که در شرفیابی فرماندهان و کارکنان ناجا، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ بیان داشتند: «نیروی انتظامی مظهر حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی است بنابراین باید اقتدار داشته باشد اما این اقتدار به معنای ظلم کردن و حرکت بی‌مهاری نیست، لازمه برقراری امنیت، اقتدار پلیس است اما این اقتدار باید همراه با عدالت و مروت و ترحم باشد.

امنیت داخلی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه است و برای اینکه بتوانیم به توسعه پایدار و پیشرفت‌های روز افزون دست یابیم باید شاخص‌های امنیتی را افزایش دهیم. مسلماً در این راستا جایگاه و نقش نیروی انتظامی در پاسداری از دستاوردهای انقلاب، در کنار دیگر نیروهای مسلح کشور بر کسی پوشیده نیست. نیروی انتظامی به مدد تبعیت از منویات و رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و

حمایت و همکاری آحاد مردم امروز جایگاه مستحکم و تأثیرگذار خود در عرصه امنیت عمومی کشور را در تعامل، هماهنگی و هم راستایی با سایر نیروهای مسلح و مدافع انقلاب و نظام اسلامی تثبیت و هوشمندی، آمادگی و اقتدار خدشه ناپذیر خود را عاملی بازدارنده و موجب هراس و وحشت هنجارشکنان و بدخواهان امنیت و آرامش ملت رشید ایران قرار داده است. و مطابق فرمایشات مقام معظم رهبری به جرات می‌توان گفت که نیروی انتظامی با عملکرد شایسته که در کارنامه خود به ثبت رساند می‌تواند در مجموعه نیروهای مسلح و نظام اسلامی تعمیم یابد.

در مجموع، با نگاهی به عملکرد نیروی انتظامی در چند سال گذشته که از تشکیل آن می‌گذرد، می‌توان به جرات گفت که این نیرو به عنوان بخشی از حاکمیت که مسئول حفظ امنیت، آسایش و آرامش عمومی است، با شجاعتی مثال‌زدنی توانسته در مقابله با تهدیدات مرزی ناشی از سناریوهای ضدامنیتی گروهک‌های تروریستی وابسته به سرویس‌های جاسوسی دشمنان بایستد و با اشرار، مفسدان، قانون‌گریزان، آشوب‌طلبان، تهدیدگران سلامت اخلاقی جامعه و برهم‌زنندگان نظم و امنیت عمومی مقتدرانه برخورد کند.

امروزه ناجا توانسته است با در پیش گرفتن شعار «پلیس هوشمند و مقتدر، امین مردم» خود را به عنوان یکی از مظاهر برجسته اقتدار ملی و سپر پولادین امنیتی ایران به جامعه معرفی کند و با تکیه بر روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و آمادگی‌های همه‌جانبه سازمانی و عملیاتی، نقشه‌ها و فتنه‌های طراحی شده توسط اتاق‌های فکر دشمن برای برهم زدن امنیت و آرامش کشور را در چهل سالگی انقلاب اسلامی ابرتر سازد. به امید موفقیت هرچه بیشتر این نیرو در انجام مأموریت‌های محوله در سایه تعامل و هم‌افزایی با دیگر نیروهای حافظ امنیت ایران اسلامی و در پرتو اندیشه‌ها و هدایت‌های امام راحل عظیم‌الشان و مقام عظمای ولایت.

منابع

- قرآن

- احمدی، محمد حسین، (۱۳۸۸)؛ توانمندی زنان پلیس در پیشگیری از جرایم بارویکرد کودکان و زنان، نخستین همایش پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- اکبرنژاد، مهدی، توران مهمدی. (۱۳۹۳)؛ فصلنامه تخصصی، تفسیر و علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۰

- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱)؛ آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۱، چاپ دوم، صص ۳۵ و ۳۶ و ص ۱۰۰.

- باصری، احمد؛ حاتمی، حمید رضا، (۱۳۹۲)؛ بررسی اقتدار پلیس بر اساس دیدگاه کارکنان نیروی انتظامی و نخبگان دانشگاه، فصلنامه علمی ترویجی توسعه سازمانی پلیس، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۲، صفحه ۶۷-۸۶.

- تاجران، عزیزالله، کلاکی، حسن. (۱۳۸۸)؛ بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر اساس امنیت شهروندان تهرانی، فصلنامه مطالعات نیروی انتظامی، سال ۴، صص ۵۸۶-۵۶۱

- حق شناس و همکاران. (۱۳۸۵)؛ فرهنگ معاصر هزاره، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هفتم.

- رجبی پور، محمود. (۱۳۸۷)؛ مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، آموزش و پرورش و پیشگیری اجتماعی پلیس، نشر منتهی.

- ساروی، علی. (۱۳۹۰)، جنگ نرم و تهاجم فرهنگی، پرسمان، شماره ۱۰۵، مهر.

- شایگان، فریبا، رضا، حسینی. (۱۳۹۲)؛ نقش نیروی انتظامی در امنیت اجتماعی از دیدگاه

مقام معظم رهبری، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ۶، شماره ۴

- شفیعی زازلی، مهدی، (۱۳۹۳)؛ بررسی احساس امنیت اجتماعی و رابطه آن با اقتدار و نفوذ پلیس، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، شماره ۴
- صبوری، منوچهر. (۱۳۸۱)؛ جامعه شناسی، تهران، انتشارات سخن.
- طاهری، زهرا و همکاران. (۱۳۹۱)؛ رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸، فصلنامه پژوهش راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۱، شماره ۱
- عمید، حسن. (۱۳۵۸)؛ فرهنگ عمید، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۳)؛ بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، چاپ دوازدهم، ص ۱۰۲ - ۱۰۰.
- قطب، محمد، (۱۳۸۸)؛ لزوم بازنویسی تاریخ اسلام، مترجم: احمد حکیمی، انتشارات: نشر احسان.
- قیصری، نورالله. (۱۳۹۷)؛ اقتدار، جذابیت، هوشمندی و معماری ناجای آینده، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، شماره ۸
- قدسی، امیر. (۱۳۸۹)؛ جایگاه سرمایه اجتماعی در باز تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز
- کریمایی، علی اعظم. (۱۳۹۰)؛ «نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی»، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی،
- مکارم شیرازی، حضرت آیت الله ناصر، (۱۳۹۴)؛ قهرمان توحید، شرح و تفسیر آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع)، انتشارات: امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، حضرت آیت الله ناصر، (۱۳۹۵)؛ پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان، انتشارات: نسل جوان.

- مکارم شیرازی، حضرت آیت الله ناصر، (۱۳۸۱)؛ پیام قرآن؛ ج ۱۰؛ تهران: دار الکتب
الإسلامیة.

- مکارم شیرازی، حضرت آیت الله ناصر، (۱۳۸۶)؛ پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج
۱۰.

- میرمدرس، سید موسی، (۱۳۸۷)؛ جامعه برین، قم: موسسه بوستان.

- نادری، محمد. (۱۳۹۰)؛ جامعه اسلامی و نقش پلیس در تحقق امنیت آن، فصلنامه
توسعه، سال ۶، شماره ۱۹، بهار.

- نای، جوزف، اس. (۱۳۸۲)؛ قدرت نرم، ترجمه: سید محسن روحانی و مهدی
ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)

- ولیدی، محمد صالح. (۱۳۷۸)؛ بررسی و تبیین مفاهیم نظم، امنیت و آسایش عمومی و
فردی.

- Bennet, T (۱۹۹۱b) "The effectiveness of a police - initiated fear reducing
strategy" (۳۱) British Journal of Criminology ،